



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجمع تشاورای اسلامی ایران



در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۲۸

نگرینه بر سرگ مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گریه بر مرگ مومنان

نویسنده:

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	گریه بر مرگ مؤمنان
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	سخن مجمع
۲۰	مقدمه
۲۸	نظری اجمالی درباره گریه
۳۱	اقسام گریه
۳۱	الف: گریه از خشیت الهی
۳۴	ب: گریه هنگام عبادت
۳۴	ج: گریه در مرگ عزیزان، شهیدان، صالحان و مؤمنان
۳۶	بحث اول: منشأ اختلاف در حرمت گریه بر مرگ مؤمنان
۳۶	اشاره
۳۷	موضع عایشه در برابر این روایت و حرمت گریه
۳۷	اشاره
۴۰	موضع ابن عباس
۴۰	موضع ابی هریره
۴۱	تعارض روایات تحریم گریه با روایات جایز بودن آن
۴۲	تعارض روایات تحریم گریه با قرآن کریم
۴۶	بحث دوم: گریه پیامبر خاتم(صلی الله علیه و آله) و پیامبران(علیها السلام) بر مرگ مؤمنان
۵۶	بحث سوم: سیره مسلمانان در گریه بر مرگ مؤمنان
۶۲	بحث چهارم: سخنان ائمه اطهار(علیها السلام) درباره گریه
۷۰	بحث پنجم: احکام گریه و فروع آن نزد علمای شیعه
۷۱	خلاصه بحث

عنوان قرارداد: البكاء علی موتی المومنین . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: گریه بر مرگ مومنان [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات؛ مترجم حسین علی عربی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۵ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۲۸.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۹۸-۸

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: گریه -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: گریه -- احادیث

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: عربی، حسینعلی، ۱۳۴۹ - ، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: ۱/ BP۲۶۰/ب ۸۸۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۵۹۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

گریه بر مرگ مومنان

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات

مترجم حسین علی عربی

ص: ۵

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)] ... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیهم السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیهم السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران اُمّت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفّقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرایی، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویّت - که در کتاب و سنّت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصارهٔ انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

نظری اجمالی درباره گریه

«گریه» یک نیاز انسانی است که به هنگام مواجه شدن با مشکلات و سختیهای زندگی، به صورت طبیعی به آن روی می آورد. انسان در لحظات سخت و دشوار، راه گریزی ندارد، یا در وقتی که ناگهانی، خبر ازدست دادن عزیزی و یا ضرر و زیان مادی و یا معنوی را به او بدهند، در این حالات، توازن نفسانی خود را از دست می دهد و به صورت طبیعی و ناخودآگاه عقده درونی خود را به وسیله گریه می گشاید. این نیاز، اختصاص به عقیده و مذهب خاصی ندارد زیرا گریه نشأت گرفته از حالت‌های درونی و فطری انسانهاست.

اگر گریه یک حالت فطری است که انسان به هنگام رو به رو شدن با تنگناها و مصیبتها به آن روی می آورد، پس آن در واقع وسیله ای برای از بین بردن ناراحتیها و عقده های درونی است. آیا گریه فایده های دیگری هم دارد؟ یا این که همان بود که ذکر شد؟

اولاً: گریه دارای فایده های زیادی است که برخی از آنها مربوط به «سلامتی» و برخی، «نفسانی» و برخی، «سیاسی» می باشد که به صورت خلاصه برخی از آنها ذکر می شود:

الف: گریه روشی برای ترکیه نفس از آلودگی و گناهان می باشد، به خصوص هنگامی که انسان از عملکرد گذشته خود، پشیمان و تائب است.

ب: گریه موجب می گردد که انسان، سختیها و دردهای محرومان و ستمدیدگان را درک نماید زیرا گریه موجب بیداری وجدان درونی انسانها می گردد و انسان در این حالت، در برابر خداوند، اعتراف به کوتاهی و تقصیر خود می کند.

ج: گریه قساوت قلب را که بر اثر مهر زدن بر آن به وجود آمده است، معالجه می کند.

خداوند می فرماید :

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً... (۱)

«سپس دلهای شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت تر».

و نیز می فرماید:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ . (۲)

ص: ۲۲

۱- (۱) - بقره (۲): ۷۴ .

۲- (۲) - حدید (۵۷): ۱۶ .

«آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است، خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشید که در گذشته به آنان کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آنان گنهکارند».

د: گریه دارای بعد سیاسی است؛ زیرا در برخی موارد، بر اثر شرایط خاص حاکم بر جامعه، انسان قادر به رویارویی مستقیم با ظلم و ستم نمی‌باشد؛ زیرا انسان در این شرایط، احساس می‌کند که قادر بر انجام کاری در این زمینه نیست، در این حالت، بهترین روش برای مبارزه با ظلم، گریه می‌باشد؛ زیرا گریه در این شرایط، یک نوع مبارزه است. (۱)

ثانیاً: گفته‌اند: گریه از انگیزه‌های مختلفی نشأت می‌گیرد؛ گاهی انسان گریه می‌کند به هنگامی که با خبر خوشحال‌کننده‌ای که انتظار انجام آن را نداشت، رو به رو می‌گردد؛ چنان که به هنگام ناراحتی زیاد، ترس، رو به رو شدن با کاری دشوار و عجیب، دردهای زیاد، ریا، شکر و از خشیت خداوند، گریه به وی دست می‌دهد.

ثالثاً: گریه بنا بر دیدگاه شرع، دارای اقسام زیر است.

ص: ۲۳

الف: گریه از خشیت الهی

برخی از آیات و روایات، ما را تشویق به گریه از خشیت الهی کرده اند که برخی از آنها ذکر می شود.

۱- خداوند می فرماید:

... إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا *
وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا . (۱)

«کسانی که پیش از آن به آنان دانش داده شده هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده شود، سجده کنان به خاک می افتند و می گویند: منزّه است پروردگار ما که وعده هایش به یقین، انجام شدنی است. آنان بی (اختیار) به زمین می افتند و گریه می کنند و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می افزاید.»

۲- أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا . (۲)

ص: ۲۴

۱- (۱) - اسراء (۱۷): ۱۰۹ - ۱۰۷.

۲- (۲) - مریم (۱۹): ۵۸.

«آنان پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنان کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان بودند».

۳- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مردم را به گریه تشویق کرده است. در روایتی وارد شده که حضرت فرمود:

«چشمی که از خشیت خداوند گریسته، آتش را نخواهد دید؛ همچنین چشمی که در راه خدا شب را بیدار ماند». (۱)

۴- همچنین از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود:

«هیچ قطره ای نزد خداوند، محبوب تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطرات اشکی که از چشم انسان در نیمه شب از خشیت خداوند ریخته گردد، نیست». (۲)

از آن جا که گریه مطلوب و محبوب خداوند است، لذا می بینیم که پیامبران در مناسبتهای گوناگون گریسته اند.

ص: ۲۵

۱- (۱) - الترغیب و الترهیب: ۴ / ۲۲۸.

۲- (۲) - الرقه و البكاء / ابن ابی دینا: ۵۲.

۵- حضرت آدم(علیه السلام) صد سال بر گناه خویش (ترک امر ارشادی)

گریست و بعد از آن، از حیای الهی هرگز سر خود را به سوی آسمان بلند نکرد. (۱)

گفته شده: «علت این که حضرت نوح(علیه السلام) را نوح نامیدند، بدین جهت بود که زیاد می گریست». (۲)

۶- اما نسبت به گریه حضرت داود(علیه السلام): «اگر گریه آن حضرت را با گریه اهل زمین - جز حضرت آدم - بسنجیم به اندازه آنان خواهد بود». (۳)

۷- درباره گریه حضرت یحیی(علیه السلام) گفته شده است:

«بر اثر گریه جای اشک بر دو گونه اش بود. پدرش زکریا به او گفت: از خداوند درخواست کردم که فرزندی به من عطا کند که مایه روشنی چشم من باشد، یحیی گفت: ای پدر! جبرئیل به من خبر داد که بین بهشت و جهنم بیابانی وجود دارد که جز گریه کننده آن را طی نمی کند». (۴)

ص: ۲۶

۱- (۱) - الرقه والبكاء: ۴ / ۳۱۵ و ۲۴۱.

۲- (۲) - حلیه الأولیاء: ۳ / ۵۱.

۳- (۳) - الرقه و البكاء: ۴ / ۲۶۸؛ کتاب الزهد / احمد: ۱ / ۸۵ - ۸۶؛ تفسیر طبری: ۲۳ / ۹۶.

۴- (۴) - عرائس المجالس / ثعلبی: ۳۷۷.

ب: گریه هنگام عبادت

گریه هنگام تلاوت قرآن، وقت نماز و هنگام دعا از موارد آن می باشد.

ج: گریه در مرگ عزیزان، شهیدان، صالحان و مؤمنان

گریه بر مؤمنانی که از دنیا می روند، یکی از موارد مشروع است که اسلام ما را بدان دعوت کرده است. این نوع گریه را نمی توان از انواع دیگر گریه جدا کرد لکن برخی، آن را حرام می دانند! و در این زمینه به برخی از روایات که صدور آنها از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ثابت نشده استدلال کرده اند. به همین دلیل، ما این موضوع (سبب اختلاف در حرمت) را در طی مباحث زیر مطرح خواهیم کرد تا با توجه به مباحث مطرح شده روش صحیح را که با اصول شریعت انسجام دارد، به دست آوریم:

اول: منشأ اختلاف در حرمت گریه بر مرگ مؤمنان.

دوم: گریه پیامبر (خاتم) (صلی الله علیه و آله) و پیامبران (علیها السلام) بر مرگ مؤمنان.

سوم: سیره مسلمانان در گریه بر مرگ مؤمنان.

چهارم: سخنان ائمه اطهار (علیها السلام) درباره گریه.

پنجم: احکام گریه و فروع آن نزد علمای شیعه.

سبب اختلاف در حرمت گریه بر مرگ مؤمنان، روایتی است که عمر بن خطاب و فرزندش عبدالله از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند که حضرت فرمود:

«مرد به وسیله گریه خانواده اش بر او، معذب می شود».

این روایت با عبارتهای مختلف نقل شده است؛ از جمله آنها:

- «به وسیله گریه برخی از افراد خانواده اش معذب می شود».

- «به گریه افراد زنده بر او معذب می گردد».

- «او در قبرش به وسیله شیون و زاری بر او معذب می شود».

اختلاف عبارتها و الفاظ، تأثیری ندارد؛ زیرا همه این روایتها را عمر و فرزندش عبدالله نقل کرده اند. (۱)

اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) با این روایت، مخالفت نموده و راوی آن را به خطا و فراموشکاری متصف کرده اند؛ زیرا با قرآن، تعارض دارد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را نگفته است بلکه وی فرمود:

«همانا خداوند به وسیله گریه خاندان کافر بر وی، بر عذابش می افزاید».

ص: ۲۹

۱- (۱) - شرح صحیح مسلم، نووی: ۶/ ۲۲۸، کتاب الجنائز؛ جامع الاصول: ۱۱/ ۹۷.

ابن ابی ملیکه می گوید:

«دختر عثمان بن عفان در مکه در گذشت. برای مراسم، حاضر شدیم. عبدالله بن عمر و ابن عباس نیز حضور داشتند. عبدالله بن عمر به عمر و به عثمان گفت: چرا گریه را تمام نمی کنی؟! زیرا پیامبر(صلی الله علیه و آله) گفته است: مرده به وسیله گریه خانواده اش بر او، معذب می شود؟! ابن عباس گفت: عمر این را می گفت. سپس ادامه داد و گفت: همراه با عمر از مکه خارج شدیم. وقتی به بیابان رسیدیم، سوارانی را دیدیم که در زیر سایه درختی استراحت می کردند. عمر گفت: برو و بین این سواران چه کسانی هستند؟ رفتم، دیدم صهیب است. برگشتم و عمر را آگاه ساختم. عمر گفت: او را دعوت کن. به سوی صهیب برگشتم و به او گفتم: برخیز و به امیرالمؤمنین ملحق شو. هنگامی که عمر ضربه خورد، صهیب بر او وارد شد و می گریست و می گفت: وای برادرم! وای رفیقم! عمر گفت: ای صهیب! آیا بر من گریه می کنی؟ در حالی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گفته است: همانا مرده با گریه خانواده اش بر او معذب می شود.

ابن عباس می گوید: وقتی عمر مرد، این مطالب را به عایشه گفتم. عایشه گفت: خدا عمر را رحمت کند به خدا قسم! پیامبر(صلی الله علیه و آله) نفرمود: همانا مرده با گریه خانواده اش بر او معذب می

شود بلکه فرمود: خداوند، عذاب کافر را به وسیله گریه خانواده اش بر او زیاد می کند. عایشه گفت: قرآن شما را کفایت می کند: **أَلَّا تَزِرُ وَازِرَهُ وَزَرَ أُخْرَى** که هیچ کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد.

ابن عباس در این هنگام گفت: «خداوند است که می خنداند و می گریاند. ابن ملیکه گفت: ابن عمر هیچ گونه سخنی (در این باره) نگفته است». [\(۱\)](#)

و در روایت دیگر، ابن ابی ملیکه می گوید:

«این حدیث را برای عایشه نقل کردم و می گفت: به خدا قسم! این حدیث را از دروغگویان نقل نمی کنید، ولی گوش، اشتباه می کند و در قرآن آنچه که مایه شفای شماست، وجود دارد: **أَلَّا تَزِرُ وَازِرَهُ وَزَرَ أُخْرَى** [\(۲\)](#) لکن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند عذاب کافر را به وسیله گریه خانواده اش بر او، زیاد می کند». [\(۳\)](#)

عمره دختر عبدالرحمن می گوید:

ص: ۳۱

۱- (۱) - جامع الاصول، ابن اثیر: ۹۲ / ۱۱.

۲- (۲) - نجم (۵۳): ۳۸.

۳- (۳) - صحیح بخاری: ۱۲۷ / ۳؛ صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب المیت یعذب بیکاء اهله علیه: ۹۲۸؛ سنن نسائی: ۱۸ / ۴ و ۱۹، باب الجنائز.

«هنگامی که سخن عبدالله بن عمر: *إن المیت لیعدّب بیکاء الحیّ علیہ* برای عایشه بیان شد، شنیدم گفت: می گویم خداوند ابی عبدالرحمن را ببخشد، او دروغ نمی گوید، ولی او یا فراموش کرده و یا اشتباه می کند بلکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر یک زن یهودی گذشت که بر او گریه می شد، فرمود: بر او گریه می شود و همانا او در قبرش معذب می شود».

به غیر از داوود، دیگران نیز این حدیث را نقل کرده اند. (۱)

در روایت دیگری عایشه گفت:

«خداوند او را رحمت کند، او دروغ نمی گوید، لکن دچار وهم شده است بلکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره یک مرد یهودی که مرده بود، فرمود: مرده با گریه بر او، معذب می شود».

عایشه در این مسأله مخالف عمر بود. او بر خلاف نهی وی، در روز وفات پدرش بر او گریست.

سعید بن مسیب می گوید:

«هنگامی که ابوبکر در گذشت، عایشه بر او گریه و زاری کرد. عمر به سوی منزل عایشه حرکت کرد، بر درب منزل ایستاد و آنان را از گریه بر او منع کرد لکن آنان امتناع کردند. عمر به هشام بن ولید گفت: داخل منزل شو و دختر ابی قحافه را خارج کن. عایشه

ص: ۳۲

هنگامی که این سخن را از عمر شنید، به هشام گفت: من خانه ام را بر تو حرام می کنم. عمر به هشام گفت: داخل شو، من به تو اجازه می دهم. هشام داخل شد و ام فروه خواهر ابوبکر را از منزل به نزد عمر بیرون آورد. عمر ضربه هایی با تازیانه به او زد، هنگامی که (زنان داخل خانه) شنیدند، دست از گریه و زاری کشیدند». (۱)

موضع ابن عباس

موضع ابن عباس در مسأله گریه بر مردگان از مؤمنین و مخالفت وی با روایت عمر، با توجه به سخنی که در پیش، از وی نقل کردیم، روشن است. (۲)

موضع ابی هریره

ابو هریره می گوید:

«شخصی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) درگذشت. زنها جمع شدند و بر او می گریستند. عمر برخاست و آنان را نهی کرد و دور می ساخت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای عمر! آنان را رها کن، همانا چشم گریان

ص: ۳۳

۱- (۱) - تاریخ طبری: ۲ / ۳۴۹، حوادث سال سیزدهم.

۲- (۲) - جامع الاصول، ابن اثیر: ۱۱ / ۹۲.

است و قلب مصیبت دیده است و زمان (از دست دادن شخص) نزدیک است» (۱).

تعارض روایات تحریم گریه با روایات جایز بودن آن

تعدادی روایت در کتابهای حدیثی وجود دارد که ادعا شده است دلالت بر نهی پیامبر از گریه دارد. با قطع نظر از ضعف این روایات و عدم صلاحیت آنها برای تعارض حتی اگر این روایات را صحیح بدانیم، باز هم صلاحیت ندارند که دلیل برای حرمت باشند؛ زیرا با روایاتی که دلالت بر جایز بودن گریه دارد و این که گریه بر کسانی که مشرف به مرگ باشند و یا کسی که شهید شده و یا به مرگ طبیعی از بین رفته، بر وفق سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است، تعارض دارد.

اضافه بر آن، سخن عایشه و اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر این که این روایات، تنها از طریق خلیفه دوم و فرزندش عبدالله نقل شده و نقل آنان ناشی از خطا و فراموشی است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نهی از گریه نکرده است، موجب می گردد که از این روایات، اعراض کنیم و به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) که دلالت بر جواز گریه دارد، تمسک کنیم.

ص: ۳۴

۱- (۱) - سنن نسائی: ۴/ ۱۹؛ سنن ابن ماجه: ۱/ ۵۰۵، باب ما جاء فی البكاء، ج ۱۵۸۷؛ سنن الکبری، بیهقی: ۴/ ۱۱۷، باب من رخص فی البكاء، ج ۷۱۵۹.

تعارض روایات تحریم گریه با قرآن کریم

روایات حرمت گریه، گناه و عقوبت را نه برای گریه کننده بلکه برای میت اثبات می کند و این مطلب با حقیقت قرآنی تغایر دارد که به قلم آیه عقوبت، گناه تنها متوجه مرتکب گناه می شود، نه کسی دیگر.

خداوند می فرماید: أَلَّا تَزِرُ وَازِرَهُ وَزْرَ أُخْرَى . (۱)

«وزر» در آیه به معنای «گناهی است که بر دوش انسان سنگینی کن» و «الوازره» به معنای «نفسی است که گناه را انجام می دهد». مراد از آیه شریفه این است که: هیچ کس از گناهکاران، بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد. (۲)

و نیز خداوند می فرماید:

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى . (۳)

«و این که برای انسان، بهره ای جز سعی و کوشش او نیست».

و نیز می فرماید:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ . (۴)

ص: ۳۵

۱- (۱) - نجم (۵۳): ۳۸.

۲- (۲) - جامع الاصول، ابن اثیر: ۹۳/۱۱.

۳- (۳) - نجم (۱۳): ۳۹.

۴- (۴) - زلزله (۹۹): ۷-۸.

«پس هر کس، هموزن ذرّه ای کار خیر انجام دهد، آن را می بیند و هر کس، هموزن ذرّه ای کار بد کرده آن را (نیز) می بیند».

و نیز می فرماید:

... وَلْتَجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى . (۱)

«تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود».

پیش از آن که این بحث را به پایان برسانیم، لازم است گوشزد کنیم که در کتابهای روایی، روایاتی وجود دارد که برخی به آنها بر جواز گریه قبل از مرگ^۱ نه بعد از آن، استدلال کرده اند. این روایات با تعابیری شبیه به هم وارد شده است. مضمون این روایات، دلالت بر حرمت گریه بعد از مرگ دارد؛ از جمله آنها روایت عبدالله بن عمیر از طریق جبر است؛ جبر می گوید:

«به همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر شخصی که مشرف به مرگ بود، وارد شدیم. زنها گریه می کردند. جبر گفت: آیا گریه می کنید؟ تا زمانی که رسول خدا نشسته است، گریه نکنید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: تا زمانی که در بین آنان است، بگذار گریه کنند، اگر مرگش رسید، هیچ کس بر او گریه نکند».

ص: ۳۶

۱- (۱) - طه (۲۰): ۱۵.

۲- (۲) - الموطأ: ۱/۲۳۳؛ سنن ابو داوود، شماره ۳۱۱۱؛ جامع الاصول، ابن اثیر: ۱۱/۱۰۱ و ۱۰۰؛ سنن نسائی: ۴/۱۴ و ۱۳.

این روایت بر گریه با صدای بلند و خراشیدن صورت، حمل می شود؛ زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وقتی گریه کرد و عبدالرحمن با تعجب به او گفت: آیا شما در سابق ما را از گریه نهی نکردید؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «نه، من از دو فریاد ستم، نهی کرده ام؛ فریاد به وقت مصیبت و خراشیدن صورت و گریبان را چاک زدن و فریاد شیطانی». (۱)

ص: ۳۷

۱- (۱) - الجامع الصحیح: ۳/ ۳۲۸، ح ۱۰۵۵.

بحث دوم: گریه پیامبر خاتم(صلی الله علیه و آله) و پیامبران(علیها السلام) بر مرگ مؤمنان

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مرگ عمویش «حمزه» گریست و دیگران را نیز تشویق نموده بر او بگریند.

ابن سعد می گوید:

«بعد از جنگ احد، وقتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) صدای گریه را از خانه های انصار شنیدند که بر شهدای خود گریه می کردند، اشک از چشمان آن حضرت جاری شد و گریه کرد و فرمود: لکن حمزه گریه کننده ای ندارد. سعد بن معاذ سخن پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را شنید. به نزد زنان قبیله بنی عبد الاشهل آمد و جریان را به آنان گفت. بعد از آن روز، زنان انصار، اول بر حمزه گریه می کردند و سپس بر شهید خود می گریستند»^(۱).

این حدیث، فقط متضمن فعل پیامبر(صلی الله علیه و آله) نمی باشد بلکه متضمن تقریر حضرت و امر وی بر گریه نیز می باشد. از این حدیث به خوبی استفاده می شود که گریه بر مرگ مؤمنان، امر مرسوم و متداولی در عصر بعثت بوده است.

ص: ۳۹

۱- (۱) - طبقات ابن سعد: ۱۱ / ۳؛ مغازی واقدی: ۱ / ۳۱۷ - ۳۱۵؛ امتاع الاسماع: ۱ / ۱۶۳؛ مسند احمد: ۲ / ۲۹، ح ۴۹۶۴؛ تاریخ طبری: ۲ / ۲۱۱؛ سیره ابن هشام: ۳ / ۹۹.

۲- وقتی جعفر بن ابی طالب و برخی از یاران او در غزوهٔ موته به شهادت رسیدند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به منزل وی تشریف بردند و فرزندان جعفر را خواستند، آنان را بویید و اشک از چشمان آن حضرت جاری شد. اسما همسر جعفر گفت: پدر و مادرم فدایت باد! چه چیز شما را به گریه انداخته است؟ آیا خبری از جعفر و یاران وی به شما رسیده است؟ فرمود: بله امروز به شهادت رسیدند. اسما می گوید: شروع کردم به فریاد زدن و جمع کردن زنان. فاطمه (علیها السلام) در حالی که گریان بود، وارد شد و می گفت: ای وای عمویم! سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بر مانند جعفر باید گریه کنندگان بگریند». (۱)

شکی نیست که این حدیث، متضمّن گریهٔ پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و گفتار آن حضرت «بر مانند جعفر باید گریه کنندگان بگریند» متضمّن تقریر آن حضرت نسبت به گریهٔ اسما می باشد. همهٔ این موارد، گواه روشنی بر مشروعیت گریه بر مرگ مؤمنان و شهدا می باشد.

۳- گریهٔ پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر شهدای جنگ موته. در صحیح بخاری است که: پیامبر (صلی الله علیه و آله) قبل از این که خبر مرگ زید، جعفر و ابن رواحه آورده شود، مرگ و شهادت آنان را اعلام کرده بود.

ص: ۴۰

۱- (۱) - استیعاب: ۱/ ۳۱۳؛ اسد الغابه: ۱/ ۲۴۱؛ الاصابه: ۲/ ۲۳۸ (ترجمه جعفر بن ابی طالب)؛ الکامل فی التاریخ: ۲/ ۴۲۰.

نقل بخاری از پیامبر چنین است:

«زید، پرچم را به دست گرفت، سپس به شهادت رسید، سپس جعفر آن را گرفت (اوهم) شهید شد، سپس ابن رواحه آن را گرفت (اوهم) شهید شد و اشک از چشمان وی جاری بود...» (۱).

۴- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر فرزندش ابراهیم.

انس می گوید:

«همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شدیم... در حالی که ابراهیم مرگش نزدیک شده بود. اشک از دو چشمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) جاری شد. عبدالرحمن بن عوف به حضرت گفت: شما ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گریه می کنید؟ فرمود: آن (اشک) رحمت است. سپس همین جمله را تکرار کرد و آنگاه فرمود: چشم، گریان است و قلب، محزون و چیزی نمی گویم جز آنچه موجب رضایت پروردگاران در آن است. وای ابراهیم! ما در فراق تو محزون هستیم» (۲).

در این روایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جاری شدن اشک را «رحمت» توصیف کرده است که از آن استفاده می شود «گریه نیکو است». و

ص: ۴۱

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۲/۲۰۴؛ البدایه و النهایه: ابن کثیر: ۴/۲۸۰؛ سنن کبری، بیهقی: ۴/۷۰؛ انساب الاشراف: ۲/۴۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۱۵/۷۳.

۲- (۲) - صحیح مسلم: ۴/۱۸۰۸؛ کتاب الفضائل، باب رحمته بالصیبان و العیال؛ سنن ابی داوود: ۳/۱۹۳، کتاب الجنائز، باب البكاء علی المیت؛ سنن ابن ماجه: ۱/۵۰۷، کتاب الجنائز، باب ۵۳، ح ۱۵۸۹؛ مغازی، شرح و تحقیق قاسم شماعی الرفاعی: ۲/۵۵۶، ح ۱۲۱۶، کتاب الجنائز، باب ۸۲۸، قول النبی: وَإِنَّا بِكَ لَمَحْزُونُونَ.

مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله) از «چشم گریان» تا آخر روایت، این است که در گریه و محزون بودن قلب، گناهی وجود ندارد بلکه گناه، گفتن سخنی است که خشم پروردگار را به همراه داشته باشد، مانند اعتراض به خداوند.

۵ - گریه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر مادرش وقتی بر قبرش حاضر می شد.

ابو هریره می گوید:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) قبر مادرش را زیارت کرد و گریه کرد و اطرافیان را به گریه انداخت.» (۱)

۶ - گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بیماری سعد بن عباد.

عبدالله بن عمر می گوید:

«سعد بن عباد از وضعیّت مزاجی خود شکوه نمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به همراهی عبدالرحمن بن عوف، سعد ابن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود، به عیادت او آمد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) وقتی بر او وارد شد، او را بیهوش یافت. سؤال کرد: آیا تمام کرده است؟ گفتند: نه ای رسول خدا! حضرت گریه کرد، حاضران وقتی دیدند پیامبر (صلی الله علیه و آله) گریه می کند، گریه

ص: ۴۲

۱- (۱) - صحیح مسلم: ۶۷۱/۲، کتاب الجنائز، باب زیاره القبور، ح ۳۲۳۴؛ سنن نسائی: ۴/۹۰، کتاب الجنائز، ما جاء فی قبر المشرك؛ سنن ابن ماجه: ۱/۵۰۱، کتاب الجنائز، ما جاء فی زیاره قبور المشركین، ح ۱۵۷۲.

کردند. حضرت فرمود: آیا نشنیدید که خداوند با اشک چشم و با حزن قلب، کسی را عذاب نمی کند، ولی با این عذاب می کند - و اشاره به زبان کردند - یا رحمت می کند» (۱).

۷- گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر نوه اش امام حسین (علیه السلام).

از امّ فضل دختر حارث روایت شده که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد و گفت:

«ای رسول خدا! من امشب خواب بدی دیدم. حضرت فرمود: آن چیست؟ گفت: آن خواب بسیار بد است. فرمود آن چیست؟ گفت: دیدم گویا قطعه ای از پیکر شما قطع شد و در دامن من گذاشته شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خواب خوبی دیدی؛ فاطمه ان شاء الله فرزندی می زاید و او در دامان تو خواهد بود. فاطمه حسین را به دنیا آورد و چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده بود، در دامن من قرار گرفت. روزی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شدم و امام حسین (علیه السلام) را در دامان او قرار دادم، سپس توجه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) کردم که اشک از چشمان او جاری است. گفتم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد! شما را چه شده است؟! فرمود: جبرئیل به نزد من آمد و به من خبر داد که اتمم این فرزندم را می کشند. گفتم: این؟! فرمود: بله و به همراه خود، خاک سرخی از خاک او را برایم آورد».

ص: ۴۳

حاکم می گوید:

«این روایت بر طبق موازین شیخین، روایت صحیحی است، ولی آنان نقل نکرده اند». (۱)

در این زمینه روایات دیگری وجود دارد که مجال نقل آنها نیست. این روایات، تأکید دارد که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مناسبت‌های مختلف بر امام حسین (علیه السلام) گریه کردند. (۲)

گریه تنها مربوط به عصر بعثت نیست بلکه دارای سابقه تاریخی طولانی است؛ زیرا می بینیم که پیامبران الهی، در مناسبت‌های گوناگون گریه کرده اند.

خداوند درباره حضرت یعقوب (علیه السلام) می فرماید:

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ . (۳)

ص: ۴۴

۱- (۱) - مستدرک الصحيحین: ۳/ ۱۷۶؛ تاریخ ابن عساکر: ح ۶۳۱؛ مجمع الزوائد: ۹/ ۱۷۹؛ مقتل خوارزمی: ۱/ ۱۵۹؛ امالی شجری: ۱۸۸؛ الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی: ۱۴۵؛ الصواعق المحرقة: ۱۱۵؛ کنز العمال: ۶/ ۲۲۳؛ الخصائص الكبرى: ۲/ ۱۲۵.

۲- (۲) - مانند روایت زینب دختر جحش؛ تاریخ ابن عساکر، ترجمه امام حسین، ح ۶۲۹؛ مجمع الزوائد: ۹/ ۱۸۸؛ کنز العمال: ۱۳/ ۱۱۲؛ تاریخ ابن کثیر: ۸/ ۱۹۹. و مانند روایت عایشه؛ طبقات ابن سعد: شماره ۲۶۹؛ تاریخ ابن عساکر، ترجمه امام حسین، ح ۶۹۷؛ مقتل خوارزمی: ۱/ ۱۵۹؛ مجمع الزوائد: ۹/ ۱۸۷؛ کنز العمال: ۱۳/ ۱۰۸؛ الصواعق المحرقة: ۱۱۵.

۳- (۳) - یوسف (۱۲): ۸۴.

«و از آنان روی برگرداند و گفت: وا اسفا! بر یوسف و چشمان او از اندوه سفید شد اما خشم خود را فرو می برد.»

یعقوب(علیه السلام) بسیار بر یوسف(علیه السلام) می گریست تا این که درباره او گفته شد:

قَالُوا تَاللّٰهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ . (۱)

«گفتند: به خدا! تو آن قدر یاد یوسف می کنی که در آستانه مرگ قرارگیری، یا هلاک گردی.»

زمخشری می گوید:

«اگر گریه زیاد شود، اشک، سیاهی چشم را از بین می برد و آن را به رنگ سفید کدر تبدیل می کند. گفته شده: او نابینا شد. و گفته شده: بینایی اش بسیار کم شده بود. عبارت: مِنَ الْحُزْنِ در آیه اول، با واو نیز قرائت شده است: وَ مِنَ الْحُزْنِ ؛ حزن علت گریه بود که سفیدی چشم از آن به وجود آمد، پس گویا سفیدی از حزن به وجود آمده است.»

گفته شده است که: چشمان یعقوب از فراق یوسف تا دیدار مجدد او به مدت هشتاد سال، پیوسته گریان بود.

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که:

ص: ۴۵

«وی، از جبرئیل سوال کرد: اندازه آنچه یعقوب (علیه السلام) بر یوسف (علیه السلام) (از حزن) پیدا کرد، چقدر بود؟ گفت: به اندازه هفتاد مادر که فرزند از دست داده باشند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: اندازه پاداش او چقدر است؟ گفت: پاداش صد شهید و او لحظه ای گمان بد به خداوند پیدا نکرد».

اگر سؤال شود: چگونه برای پیامبری جایز باشد که به این درجه از بی تابی برسد؟ در جواب باید گفت: انسان هنگام حزن زیاد، بر اساس فطرت کنترل طبیعی خود را از دست می دهد و بدین جهت خداوند از صبر او تمجید کرد و این که او صبر نمود تا مبادا کلامی و یا کاری که نیکو نباشد، از او سرزند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مرگ فرزندش ابراهیم گریست و فرمود:

«قلب، بی تابی می کند و چشم گریان است و آنچه موجب غضب خداوند است، نمی گوئیم و ما به خاطر تو ای ابراهیم! محزون هستیم».

بی تابی مذموم آن است که از برخی افراد جاهل سر می زند، مانند گریه به آواز بلند و جزع و فزع، زدن به سینه و صورت و پاره کردن لباس.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده که:

«بر یکی از فرزندان یکی از دخترانش که در حال مرگ بود، گریست. گفته شد: ای رسول خدا! (صلی الله علیه و آله) گریه می کنی در حالی که ما را از گریه نهی می کردی؟ فرمود: شما را از گریه نهی نکردم

بلکه از دو فریاد حماقت آمیز نهی کردم؛ فریاد به هنگام شادی و فریاد به هنگام حزن».

از امام حسن (علیه السلام) روایت شده است که:

«وی بر فرزندش، یا دیگری گریست، از وی در این باره سؤال شد، فرمود: ندیدم که خداوند حزن را مایهٔ ننگ بر یعقوب قرار داده باشد. او خشم خود را فرو برده بود. او پر از خشم بر فرزنداش بود و چیزی که سبب ناراحتی آنان شود، بروز نمی داد».

(۱)

ص: ۴۷

۱- (۱) - تفسیر کشاف، زمخشری: ۴۹۶ / ۲.

بحث سوم: سیره مسلمانان در گریه بر مرگ مؤمنان

سیره مسلمانان بعد از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بهترین دلیل بر جایز بودن گریه است. بر اساس این سیره مسلمانان و بزرگان اصحاب بر مردگان با ایمان خویش، گریسته اند و در رثای (۱) آنان شعر سروده اند.

ما در این جا برخی از شواهد تاریخی که دلالت بر صحیح و مشروع بودن گریه دارند، ذکر می کنیم:

۱- امام علی (علیه السلام) هنگام دفن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر قبر وی ایستاد و گفت:

«هر آینه صبر، نیکوست، مگر برای تو و بی تابی زشت است، مگر برای تو و این مصیبت بزرگ است و هر مصیبتی بعد از تو، کوچک است».

۲- امام علی (علیه السلام) در رثای پیامبر اکرم (علیه السلام) اشعاری سروده اند:

ص: ۴۹

۱- (۱) - «رثا» در این جا با «گریه» فرقی ندارد؛ و رثا: رثو المیت، بکاه و عدد محاسنه (المنجد فی اللغة والاعلام).

الاطرق الناعی بلیل فراعنی و اّرقتنی لّما استقل منادياً

فقلت له لما رايت الذی اُتی لغير رسول الله لو كنت ناعياً (۱)

«وقتی در شب، خبر مرگ پیامبر به گوشم رسید، وحشت کردم هنگامی که خبر دهنده خبر داد، خواب را از من برد.»

«هنگامی که آنچه رخ داده بود، دیدم به او گفتم: (ای کاش!) خبر مرگ غیر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می داد.»

۳- انس بن مالک می گوید:

«فاطمه نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بود، سختیهای مرگ، یکی پس از دیگری بر حضرت وارد می شد، حضرت سرش را بلند کرد و فرمود: ای وای از سختی (مرگ)! فاطمه زهرا (علیها السلام) گریه کرد و فرمود: ای وای از سختی! برای سختی شما ای پدر جان! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بعد از امروز، دیگر سختی بر من نیست.» (۲)

۴- فاطمه زهرا (علیها السلام) در رثای پدر بزرگوارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به هنگام مرگ، اشعار حزن آوری سرود؛ از جمله آنها این شعر است:

ماذا علی من شمّ تربه أحمد أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیا

صبت علی مصائب لو أنّها صبت علی الأیام عدن لیالیا (۳)

ص: ۵۰

۱- (۱) - انساب الاشراف، بلاذری: ۲/ ۲۷۶.

۲- (۲) - العقد الفرید: ۳/ ۱۶۴.

۳- (۳) - ارشاد الساری، قسطلانی: ۳/ ۴۱۵.

«چه باکی است بر آن که خاک قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله) را بوییده است که در تمام عمر، هیچ سختی را نبوید».

«مصیبت‌هایی بر من باریدن گرفته که اگر بر روزها می باریدند، چون شب تاری می گریزند».

۵- صفیة عمّة رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اشعار بسیار حزن آوری در رثای حضرت به هنگام وفات سروده است:

ألا یا رسول الله! کنت رجاءنا و کنت بنا بڑاً و لم تکن جافیا

و کنت رحیماً هادیا و معلماً لیبک علیک الیوم من کان باکیا

لعمرك ما أبکی النبی لفقده و لكن أخشی من الهرج آتیا (۱)

«ای رسول خدا! (صلی الله علیه و آله) تو مایه امیدواری بودی و تو نسبت به ما نیکوکار بودی؛ نه درشت خوی».

«تو برای ما رحیم و هدایت کننده و معلّم بودی، هر آینه هر گریه کننده ای بر تو گریه می کند».

«قسم به تو! در فراق پیامبر(صلی الله علیه و آله) گریه نمی کنم لکن از هرج و مرج در آینده واهمه دارم».

۶- ابو ذؤیب هنگام وفات رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بر وی گریست و این اشعار را در رثای او سرود:

لما رأیت الناس فی عسلاتهم ما بین ملحود له و مضرح

متبادرین لشرجع بأکفهم نصّ الرقاب لفقدا بیض أروح

ص: ۵۱

فهنالك صرت الى الهموم و من بيت جار الهموم بيت غير مروح (۱)

«هنگامی که مردم را در قبرهایشان یافتم که یا در لحد بودند و یا قبری برای آنان کنده شده بود».

«آنان گویا از قبر خارج شدند برای تشییع و روی دست گرفتن پیکری تا آن را در برابر گردنهای خویش قرار دهند، در فراق کسی که سخن او اختلاف را از بین می برد».

«در این جا بود که به اندوه روی آوردم و کسی که شب را با اندوه سپری کند، او همسایهٔ حزن و اندوه شده است و شب را به راحتی سپری نمی کند».

۷- ابن اسحاق دربارهٔ ابا سفیان بن حارث می گوید: وی در رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بسیار گریست و در رثای او این اشعار را سرود:

ارقت فبات لیلی لا یزول و لیل اخی المصیبه فیه یطول

فأسعدنی البكاء ، و ذاک فیما أصیب المسلمون به قلیل

لقد عظمت مصیبتنا و جلت عشیه قیل قد قبض الرسول (۲)

«شب خوابم نبرد، گویا آن شب پایانی ندارد؛ شبی که ای برادر! مصیبت در آن طولانی است».

ص: ۵۲

۱- (۱) - الاستیعاب فی معرفه الاصحاب: ۴/ ۲۱۴، شماره ۲۹۷۲.

۲- (۲) - الاستیعاب فی معرفه الاصحاب: ۴/ ۲۳۸، شماره ۳۰۳۲.

«مرا در گریه کمک کن که آن، در آنچه مسلمانان به آن دچار شدند، کم است».

«مصیبت ما بسیار عظیم و بزرگ است شبی که گفته شد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در گذشته است».

۸ - هنگامی که خبر مرگ نعمان بن مقرون به عمر بن خطاب رسید، دستش را بر سرش گذاشت و فریاد بر آورد: ای وای نعمان!

وقتی زید بن خطاب در یمامه شهید شد، دوست او که مردی از قبیله بنی عدی بن کعب بود، هنگامی که به مدینه برگشت و عمر را دید، اشک از چشمان او جاری شد و گفت:

«زید را جاگذاشتی و به نزد من آمدی».^(۱)

خالد بن ولید در زمان خلافت عمر در گذشت - این دو با یکدیگر صحبت نمی کردند - زنان از گریه بر او خودداری کردند. عمر که این خبر را شنید گفت:

«چرا زنان بنی مغیره بر ابی سلیمان اشک نمی ریزند لکن صدای خود را بلند نکنند و حرف بی ربط نزنند».

متّم برادر مالک بن نویره - که یک چشم داشت - وقتی خبر کشته شدن برادرش را شنید، در مسجد نبوی، در حضور ابو بکر گریست، وی نماز صبح را به ابوبکر اقتدا کرد؛ وقتی ابو بکر نماز را

ص: ۵۳

۱- (۱) - الاستیعاب فی معرفه الاصحاب: ۴ / ۲۳۸؛ الهم و الحزن، ابن ابی الدنیا، شماره ۱۴۴.

تمام کرده و به محراب تکیه زده بود، متمم در کنار او ایستاد و بر کناره منحنی کمان تکیه زد و این اشعار را سرود:

نعم القتل اذ الريح تناوحت خلف البيوت قتلت يا ابن الأزور

أدعوته بالله ثم غدرته؟ لو هو دعاك بدمه لم يغدر

«چه کشته خوبی؛ زیرا بادها بر او نوحه گری کردند در پشت خانه ها، ای فرزند ازور! (برای مدح گفته می شود)».

«آیا او را دعوت کردی، سپس خیانت کردی؟ اگر او تو را دعوت کرده بود، خیانت نمی کرد».

ابو بکر گفت :

«به خدا سوگند! او را دعوت نکردم و خیانت به او نورزیدم، سپس گریه کرد و بر کناره منحنی کمان افتاد و پیوسته متمم گریه می کرد تا از چشم نابینایش اشک جاری شد. عمر بن خطاب برخاست و گفت: دوست دارم آن گونه که در رثای مالک، شعر سرودی، در رثای برادرم زید نیز شعر می سرودی».^(۱)

ص: ۵۴

بحث چهارم: سخنان ائمه اطهار (علیها السلام) درباره گریه

ائمه (علیها السلام) هم خود گریستند و هم شیعیان را تشویق به آن نمودند، البته در چهارچوب شرعی و تا مادامی که ارتکاب حرامی صورت نگیرد. اینک برخی از روایات اهل بیت (علیها السلام) در این زمینه نقل می شود.

۱- عبدالله بن عباس می گوید:

«هنگامی که که مرگ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید، حضرت گریست، تا این که محاسنش تر شد. از حضرت سؤال شد: ای رسول خدا! چه چیز شما را به گریه انداخته است؟ فرمود: برای خاندانم گریه می کنم و آنچه اتمم بعد از من بر سر آنان خواهند آورد؛ گویا فاطمه را می بینم که بعد از من، مورد ظلم قرار گرفته است و در حالی که فریاد می زند: ای پدر! ای پدر! و کسی از امت من او را یاری نمی کند.

فاطمه (علیها السلام) این سخن را شنید و گریست، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او گفت: ای دخترم! گریه نکن. فاطمه گفت: گریه من برای آنچه بعد از شما بر من می آورند، نیست بلکه برای فراق شما گریه می کنم. ای رسول خدا! پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: تو را بشارت می دهم ای دختر

محمد! به کوتاه بودن دوره این فراق زیرا تو اولین فرد از خاندان من هستی که به من ملحق می شوی».^(۱)

۲- ثویر بن ابی فاخته می گوید :

«شنیدم حضرت علی بن حسین (صلی الله علیه و آله) با مردی از قریش سخن می گوید. وی می گفت: هنگامی که فرزندان آدم (علیه السلام) قربانی خویش را تقدیم داشتند - تا این که فرمود: - ... آدم (علیه السلام) بر هابیل، چهل شبانه روز گریست».

۳- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که وی فرمود:

«علی بن الحسین (صلی الله علیه و آله) بیست سال بر حسین بن علی (صلی الله علیه و آله) گریست؛ غذایی در مقابل وی گذاشته نشد، مگر این که بر حسین (علیه السلام) گریست تا این که یکی از خدمتکاران به وی گفت: جانم فدای شما باد ای فرزند رسول خدا! (صلی الله علیه و آله) من بر شما می ترسم که خود را به هلاکت بیندازی! حضرت این آیه را خواند:

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ؛^(۲) من یاد نمی کنم قتلگاه فرزندان فاطمه (علیها السلام) را مگر این که اشک می ریزم.

۴- از ابو بصیر روایت شده که وی می گوید:

ص: ۵۶

۱- (۱) - امالی، طوسی: ۱ / ۱۹۱؛ بحار الأنوار: ۲۸ / ۴۱ .

۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۲ / ۹۲۲، باب ۸۷، باب جواز البكاء، ح ۷.

«شنیدم امام صادق(علیه السلام) می گفت: پدرم دچار بیماری سختی شد به صورتی که بر او ترسیدیم. یکی از یاران وی گریست. حضرت نگاهی به او کرد و گفت: من از این بیماری نمی میرم. امام صادق فرمود: او شفا یافت و سالهای زیادی بین ما زندگی کرد، او در حالی که سالم بود و هیچ گونه بیماری نداشت، فرمود: ای فرزندم! من در فلان روز می میرم و در همان روز درگذشت». (۱)

۵- حمزه بن حران می گوید:

«بر امام صادق(علیه السلام) وارد شدم، به من گفت: ای حمزه! از کجا می آیی؟ گفتم: از کوفه. حضرت گریه کرد، تا این که اشکهایش محاسنش را تر کرد. به وی گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا زیاد گریه کردی؟ فرمود: به یاد عمویم زید افتادم و آنچه به او کردند، سپس گریستم. به او گفتم: چه چیز از او را یاد کردی؟ فرمود: کشتن او را یاد کردم، در حالی که تیری به پیشانی او اصابت کرده بود، فرزندش یحیی آمد و خود را بر روی او انداخت و به او گفت: بشارت باد به تو ای پدر! زیرا شما بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، علی، فاطمه، حسن و حسین(علیها السلام) وارد می شوی. گفت: بله فرزندم، سپس آهنگری طلبید و آهنگر، تیر را از پیشانی او خارج ساخت و همراه با آن، جانش نیز خارج شد - تا این که فرمود:

ص: ۵۷

- خداوند قاتل او را و کسی که او را یاری نکرد، لعنت کند و آنچه به ما اهل بیت (از مصایب) نازل شده است، به خداوند شکایت می کنم...» (۱).

۶- ابی هارون مکفوف می گوید:

«امام صادق (علیه السلام) به من گفت: ای هارون! شعری درباره حسین (علیه السلام) بخوان. هارون می گوید: شعری خواندم. امام فرمود: همان گونه که در میان خود مرثیه سرایی می کنید، برای من هم آن چنان بخوان - یعنی با سوز - ابی هارون می گوید: این شعر را سرودم:

امرر علی جدث الحسین فقل لأعظمه الزکیه الأزور

«بر قبر حسین (علیه السلام) گذر کن و به استخوانهای پاک او بگو».

ابی هارون گوید:

«امام گریه کرد و سپس فرمود: زیادتر بگو، قصیده اول را خواندم، امام گریست و صدای گریه را از پشت پرده شنیدم. هنگامی که شعرم تمام شد. امام فرمود: ای ابا هارون! هر کس شعری درباره حسین (علیه السلام) بگوید و بگرید و ده نفر را بگریاند، بهشت برای آنان واجب می شود. و کسی که شعری درباره حسین (علیه السلام) بخواند و بگرید و پنج نفر را بگریاند، بهشت بر آنان واجب می شود. و کسی که شعری درباره حسین (علیه السلام) بسراید و بگرید و یک نفر را بگریاند، بهشت بر آن دو واجب می شود. و کسی که

ص: ۵۸

حسین (علیه السلام) نزد او ذکر شود و از چشمان او به اندازهٔ بال مگسی اشک خارج شود، پاداش او بر خداست و خداوند راضی نمی شود برای او، جز به بهشت». (۱)

۷- و شا از امام رضا (علیه السلام) در خراسان نقل می کند که وی فرمود:

«هنگامی که خواستند مرا (از مدینه)، خارج کنند خانواده ام را جمع کردم و به آنان امر نمودم تا بر من بگریند که بشنوم، سپس دوازده هزار دینار بین آنان پخش نمودم، سپس گفتم: من هرگز به میان خانواده ام بر نمی گردم». (۲)

۸- ریان بن شیب می گوید:

«در روز اول محرم بر امام رضا (علیه السلام) وارد شدم، امام به من گفت: ای پسر شیب! محرم همان ماهی است که جهت قداستش، اهل جاهلیت ظلم و جنگ در آن را حرام می کردند، اما این امت، قداست آن را و قداست و حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نشناختند؛ زیرا در این ماه نسل او را کشتند و زنان او را به اسارت بردند و اموال به جای ماندهٔ آنان را غارت کردند. ای پسر شیب! اگر برای چیزی گریه می کنی، پس برای حسین گریه کن، زیرا او را مانند گوسفند سر بریدند و همراه با وی هجده مرد از خاندانش - که مانند برای آنان روی زمین نیست - کشتند. آسمانهای هفتگانه برای قتل وی

ص: ۵۹

۱- (۱) - ثواب الأعمال، شیخ صدوق: ۴۷؛ کامل الزیارات: ۱۱۱.

۲- (۲) - بحار الانوار: ۵۲ / ۴۹.

گریه کردند - تا این که فرمود: - ای پسر شیب! اگر دوست داری که در درجات بالای بهشت همراه ما باشی، پس برای ناراحتی ما ناراحت باش و برای خوشحالی ما خوشحال باش و بر تو باد! ولایت ما». (۱)

۹- حسن بن یزید گوید:

«دختر امام صادق (علیه السلام) در گذشت، امام یک سال بر وی نوحه گری کرد، سپس پسر امام در گذشت، امام نیز یک سال بر وی نوحه گری کردند، بعد از آن اسماعیل در گذشت، امام بر وی بسیار بی تابی کردند به صورتی که از نوحه گری هم گذشت. به حضرت گفتند: آیا در منزل شما نوحه گری می شود؟ حضرت فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی حمزه در گذشت، فرمود: حمزه گریه کننده ای ندارد». (۲)

۱۰- از امام علی (علیه السلام) روایت شده که حضرت فرمود:

«از جوانمردی مرد، گریه بر زمان سپری شده خود است». (۳)

۱۱- از امام زین العابدین (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

«هیچ قطره ای محبوب تر از دو قطره در نزد خدای عزوجل نیست؛ قطره خون در راه خدا و قطره اشک در تاریکی شب که بنده از آنها نطلبد جز رضای خدای عزوجل را». (۴)

ص: ۶۰

۱- (۱) - المجالس الفاخره، عبدالحسین شرف الدین: ۲۰، به نقل از: عیون اخبار شیخ صدوق.

۲- (۲) - اکمال الدین: ۴۳؛ وسائل الشیعه: ۲ / ۸۹۲.

۳- (۳) - بحار الانوار: ۲۶۴ / ۷۴.

۴- (۴) - بحار الانوار: ۲۶۴ / ۷۴.

۱۲- محمد بن حسن واسطی از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود:

«همانا ابراهیم خلیل الرحمان از خداوند درخواست کرد که به وی دختری عطا کند تا بعد از مرگش بر وی بگرید». (۱)

ص: ۶۱

۱- (۱) - وسائل الشیعه: ۴۳ / ۸۹۲.

بحث پنجم: احکام گریه و فروع آن نزد علمای شیعه

گریه قبل از خروج روح و بعد از آن جایز است (۱) بلکه اگر مرده مؤمن باشد و در حالتی که حزن شدید باشد، گریه مستحب است. (۲)، (۳) گرچه با صدا باشد بلکه گاهی اوقات راجح است؛ چنان که موجب تسکین حزن و ناراحتی قلب باشد، البتّه به شرطی که منافات با رضای الهی نباشد و فرقی بین فامیل و غیر آن وجود ندارد. (۴)

دلیل آن اجماع و روایتهای مستفیض است که در برخی از آنها در صورت شدت حزن، امر به آن شده است. (۵)

اما گریه ای که مشتمل بر جزع و بی تابی است، جایز است، البتّه در صورتی که مقرون به عدم رضایت به قضای الهی نباشد، بله این گریه موجب از بین رفتن پاداش است و کراهت آن بعید نیست؛ (۶) همچنان که نوحه گری بر مرده ها با سرودن شعر و یا نثر، جایز

ص: ۶۳

-
- ۱- (۱) - ذکری الشیعه، شهید اوّل : ۴۷ / ۲.
 - ۲- (۲) - النص و الاجتهاد، شرف الدین: ۲۴۷.
 - ۳- (۳) - تحریر الوسيله، امام خمینی: ۱۶۴ / ۱.
 - ۴- (۴) - مستمسک عروه الوثقی، حکیم: ۲۶۶ / ۴.
 - ۵- (۵) - مستند الشیعه، نراقی: ۳ / ۳۱۸؛ وسائل الشیعه: ۳ / ۳۴۱، ابواب دفن، باب ۷؛ مجمع البحرین: ۳ / ۱۵۵ (ماده وجد).
 - ۶- (۶) - مستمسک عروه الوثقی، حکیم: ۲۶۷ / ۴.

است، البته در صورتی که متضمن دروغ نباشد و مشتمل بر ویل و ثبور (هلاکت) نگردد.

سینه زدن و خراشیدن صورت و مو جایز نیست بلکه فریاد خارج از حد معمول نیز جایز نیست؛ همچنان که دریدن پیراهن بر غیر از پدر و برادر جایز نمی باشد.

اما مو از سوی زن در مصیبت، کفاره آن، مانند کفاره ماه رمضان است و کفاره کندن مو، کفاره قسم است و کفاره خراشیدن صورت نیز همین حکم را دارد.

کفاره پاره کردن پیراهن از سوی مرد، در مرگ همسر و یا فرزندانش کفاره قسم است که آن، اطعام ده مستمند و یا لباس پوشاندن بر آن ده فقیر و یا آزاد کردن یک برده است و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز، روزه بگیرد. (۱)

خلاصه بحث

گریه از شعارهای اسلامی است که محبوب خداوند است، بدین جهت در کتاب و سنت، تشویق به آن شده است. و بدین جهت، پیامبران در مناسبتهای گوناگون گریستند، مانند گریه حضرت یعقوب بر فرزندش حضرت یوسف (علیه السلام). سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر گریه

ص: ۶۴

بر کسانی که مشرف به مرگ بوده اند و بر شهدا و غیر آنان و یا بر قبور مردگان، همواره مستمر بوده است.

دلیل دیگر، سیره مسلمانان است؛ سیره مسلمانان همواره بر گریه بر مردگان از مؤمنان در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بعد از وفات آن حضرت، مستمر بوده است. در کتابهای روایی و تاریخی، داستانهای فراوانی در این زمینه وجود دارد.

و همچنین روشن شد که اگر روایاتی که گریه را حرام می داند، صحیح بدانیم، این روایات:

اولاً: با روایات دال بر جواز معارض است.

ثانیاً: با منطق قرآن نیز در تعارض می باشد؛ زیرا قرآن می فرماید:

«هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی گیرد».

ثالثاً: با سخن عایشه و ابن عباس در تعارض است؛ زیرا این دو، روایات تحریم را که از عمر و فرزندش عبدالله روایت شده است، این گونه روایات را به خطا و فراموشی توصیف کرده اند.

دیدگاه اهل بیت (علیها السلام) درباره گریه بر مرگ مؤمنان، دلالت بر جواز دارد، به شرطی که مقرون به عدم رضایت به تقدیر الهی در آن نباشد و یا این که سرودن شعر و نوحه گری، مشتمل بر دروغ نباشد و یا این که مشتمل بر خراشیدن صورت و یا پاره کردن گریبان نباشد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

